



**عنوان:**

**مصدق آیه تطهیر در قرآن**

**حوزه علمیه امام صادق علیه السلام اصفهان**

**نام و نام خانوادگی پژوهشگر:**

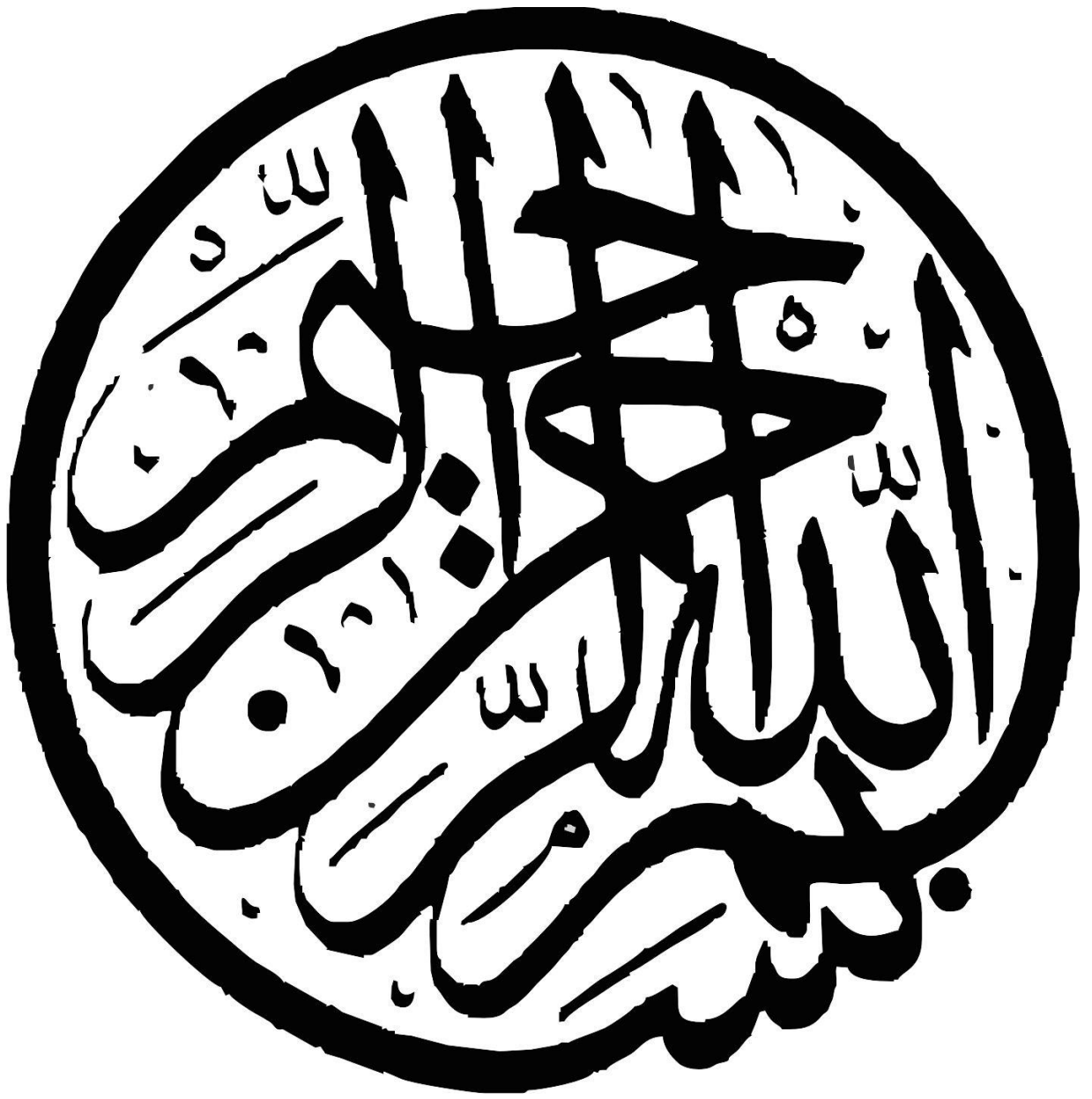
**سید عارف موسوی**

**شماره پرونده مرکز مدیریت**

**۹۶۱۲۶۰۹۰**

**پایه پنجم**

**بهار ۱۴۰۳**



## چکیده:

قسمت دوم آیه سی و سوم سوره احزاب، معروف به آیه تطهیر، از آیاتی است که مجادله های فراوانی را به همراه داشته است. آنچه که مسلمانان (اعم از شیعه و اهل سنت) در واژه «اهل بیت» استفاده می کنند این است که مراد خاندان پیامبر است، اما در اینجا بین مفسرین شیعه و اهل سنت نزاع فراوانی وجود دارد که کدام یک از خاندان پیامبر مراد است؟ مفسرین شیعه مصداق اهل بیت را، شجره عصمت و طهارت می دانند، اما مفسرین اهل سنت مصداق آن را همسران پیامبر یا همسران پیامبر و افراد دیگری از خاندان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می دانند. از طرفی هم ائمه «علیه السلام» به آیه تطهیر مباهات می کردند و آن را دلیل حقانیت خویش میدانستند، پس بر هر مسلمانی لازم می آید که تحقیق جامعی راجع به آیه تطهیر داشته باشد تا مصادیق حقیقی آن روشن شود. تمامی مطالب این مقاله حول محور این سوال می چرخد که مصداق واقعی اهل بیت در آیه چه کسانی هستند؟ در ابتدا آیه را مورد بررسی قرار می دهیم و جایگاه آن را در سیاق سوره تبیین می کنیم و شروع به نقد و بررسی احتمالات مصادیق در آیات می کنیم، که نتیجه مطلب این میشود که مصداق اهل بیت در این آیه شریفه همان پنج تن آل عبا هستند.

## کلیدواژه:

اهل بیت، آیه تطهیر، همسران پیامبر، عصمت، مفسران

## مقدمه:

در عرصه اعتقادات اسلامی پس از ایمان به خداوند و اقرار به رسالت پیامبر اکرم اسلام «صلی الله علیه و آله» و باور به معاد، که هر سه از اصول دین هستند، یک فرد مسلمان با مهمترین مسئله عقیدتی خود روبه رو می شود که همان شناخت رهبر دینی و اعتقادی بعد از پیامبر است. شناخت سرچشمه صاف و زلالی که از آن، اصول و احکام علمی اسلام را مستقیماً دریافت کند. بنابر این یکی از مهمترین موضوعات، شناخت مصادیر شریعت برای دریافت احکام است.

پیشینه ی مطالعه در مورد آیه تطهیر تصریح دارد که خداوند سبحان هرگونه پلیدی را از اهل بیت زدوده، آنان را پاکیزه گردانده است. در طول تاریخ، این آیه، سند افتخار و منزلت اهل بیت به شمار آمده است، که انبوه روایات و اخبار معتبر، شاهد آن است. در این باره سخن فراوان گفته اند. کمتر تفسیری پیدا می شود که به مناسبت این آیه، از فخر و شرف اهل بیت، به تفصیل یا به اجمال، یاد نکرده باشد. گاه از این پیام روشن غفلت شده و بعضاً تفاسیر انحرافی از آیه ارائه شده است. محققان اسلامی آن گاه که فارغ از مجادلات و جبه بندی های کلامی و سیاسی، به سراغ فهم آیه تطهیر رفته اند و در صدد کشف مراد آن برآمده اند، ظهور آن را در پرتو انبوه روایات معتبر، تفسیر کرده اند؛ با توجه به سیاق آیه و تفاسیری که راجب آیه شده، این نکته مسلم است که آیه تطهیر بر مقام و منزلت بلند گروهی خاص از خاندان پیامبر و در رأس ایشان خود آن حضرت بوده است.

با توجه به جبه بندی های خاص کلامی و سیاسی تفسیری در این باره مطرح شد که سعی دارد ضمن توجه به روایات تفسیری و گزارش منقول راجب سبب نزول آیه، رویکرد متأخر و متأثر از جبه گیری های کلامی و سیاسی را رها نکند. از این رو، مفاد آیه را شامل مصادیق گوناگون شمرده و از اهل بیت مفهومی عام ارائه داده که هم اصحاب کساء و هم همسران پیامبر را شامل شود. چون که به طور طبیعی در بستر منازعات و مجادلات عقیدتی، دامنه ی بحث درباره ی مدلول آیه گسترش یافته و تا به امروز این بحث ادامه داشته از اهمیت و ضرورت ویژه ای برخوردار است.

هدف از این نوشتار، تبیین و نگاهی روشن و جامع به مباحث مربوط به آیه تطهیر است، بدون طرفداری از جبه بندی کلامی و سیاسی.

آنچه تدوین این نوشته را با سایر مقالات، متمایز می کند، عمدتاً بخاطر این است که موارد زیر کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است:

- ۱- تبیین منظم و منطقی وجوه مربوط به آیه و روشن ساختن مغالطاتی که در مباحث مربوط به آن رخ داده است.
- ۲- تبیین مبانی قران شناختی و تفسیری بحث درباره ی آیه.

۳- تمامی احتمالات در مصادیق اهل بیت در آیه تطهیر مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

۴- پاسخ به شبهات پیرامون اینکه اگر مصداق اهل بیت همان شجره طیبه خمسه باشد.

## ۱- بررسی مفردات آیه تطهیر

قبل از بیان مفردات آیه، لازم است آیات مورد بحث را بیاوریم:

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنِ يَاْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِيْنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذٰلِكَ عَلٰى اللّٰهِ يَسِيْرًا (احزاب، ۳۰)

وَمَنْ يَفْتِنْ مِنْكُنَّ لِلّٰهِ وَرَسُوْلِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا اَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَاَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيْمًا (احزاب، ۳۱)

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَاٰحِدٍ مِنَ النِّسَاءِ اِنْ اَتَيْتُنَّ فَلَآ تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِيْ فِيْ قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوْفًا (احزاب، ۳۲)

وَقَرْنَ فِيْ بُيُوْتِكُنَّ وَاَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْاُولٰٓئِ وَاقِمْنَ الصَّلَاةَ وَاَتِينَ الزَّكَاةَ وَاَطِعْنَ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهُ اِنَّمَا يُرِيْدُ اللّٰهُ لِيُذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِرًا (احزاب، ۳۳)

وَاذْكُرْنَ مَا يُتْلٰى فِيْ بُيُوْتِكُنَّ مِنْ اٰيَاتِ اللّٰهِ وَالْحِكْمَةِ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ لَطِيْفًا خَبِيْرًا (احزاب، ۳۴)

وارد مفردات آیه تطهیر می شویم:

### ۱-۱- «إِنَّمَا»

آیه شریفه با کلمه «إِنَّمَا» آغاز شده که در زبان عربی از قوی ترین ادوات حصر است و بعد از خود را به طور جدی انکار یا اثبات می کند. مثلاً اگر بگوییم «إِنَّمَا الفقيه على» یعنی: فقیه فقط علی است. بنابراین هر حصر دو مفهوم را می رساند: ایجابی و سلبی. در مثال فوق مفهومی ایجاب، اثبات فقه فقط برای علی است و مفهوم سلبی، نفی فقه برای غیر اوست.

«ابن منظور» در معنای این کلمه می گوید: «إِنَّمَا» کارش اثبات چیزی است که بعد از آن آمده و نفی آن چیز از دیگران است. در پرتو چنین معنایی برای «إِنَّمَا» در این آیه می توان دو مفهوم را از آن فهمید: اثبات تطهیر برای اهل بیت و نفی تطهیر از غیر ایشان. (ابوالفضل جمال الدین محمدبن مکرم رویفی افریقی، ۱۳۶۷: ۲۴۴/۱)

### ۱-۲- «يُرِيدُ»

این کلمه مضارع باب افعال است به معنای «اراده می کند». در مورد اراده خداوند در ادامه بیان می کنیم که چگونه است و چه اقسامی دارد و در این آیه مراد کدام قسم از اراده است.

### ۱-۳- «لِيُذْهَبَ»

اذهب مصدر باب افعال از ریشه ذَهَبَ است به معنای ازاله کردن. در مورد «لام» به مناسب بحث اراده و متعلق آن، در ادامه توضیح بیشتری خواهد داده شد، اما در مورد اذهب و ازاله رجس باید گفت که زدودن پلیدی مستلزم این نیست که ابتدا پلیدی موجود باشد تا خداوند آن را برطرف کند. بلکه زدودن به دو معنا می

1. اول باید آیات مورد بحث را آورده، تا مباحث پیش رو مشخص شود.

آید: گاهی در معنای ازاله آن چه که موجود است و گاهی به معنای منع از وارد شدن چیزی در محلی. در تأیید این مطلب مثالهای زیادی می توان زد. مثلاً خداوند درباره حضرت یوسف می فرماید «چنین کردیم تا از او زشتی و ناشایستگی را برگردانیم». آیه به این معنا نیست که یوسف دچار سوء و فحشا شده بود و سپس خداوند او را برگردانده است؛ یا اینکه در نماز می گوییم: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» آیه این سخن، اعتراف بر این است که ما الان در صراط مستقیم نیستیم؟ خیر، گفتن این سخن دلیل بر عدم هدایت نیست بلکه درخواست استمرار هدایت موجود است.

## ۱-۴ «الرَّجْسُ»

راغب می گوید رجس به معنای هرچیز ناپاک است. (راغب، ۱۳۷۴: ۱۱۱) اقرب الموارد و صحاح، رجس را به معنای پلیدی دانسته و از فراء نقل می کنند که رجس نظیر رجز به معنای گناه است و شاید سین به زاء تبدیل شده باشد (قرشی، ۱۳۸۶: ۵۵/۴). در قران مجید اموری که با رجس توصیف شده اند عبارت است از: شراب و قمار و بتها (مانده، ۹۰)

این پلیدی و ناپاکی گاهی ظاهری است مثل خون و خوک، و گاهی معنوی است مثل بیماری های روح و روان.

اما در آیه تطهیر مراد هر دو بخش است یعنی همه انواع و اقسام رجس قصد شده، زیرا کلمه رجس «ال و لام» دارد که مفید جنس است، یعنی خداوند می خواهد انواع پلیدی اعم از اعتقادات باطل و اعمال زشت را از شما اهل بیت ببرد که چنین ازاله ای همان عصمت است.

## ۱-۵ «اهل البيت»

مهمترین و بحث برانگیزترین بخش آیه تطهیر، همین عبارت است زیرا در تعیین مصداق آن اختلاف و سخن بسیار می باشد. عبارت مزبور از دو کلمه «اهل» و «بیت» تشکیل شده است. و بدیهی است که مراد از بیت هر خانه خشت و گلی نیست زیرا «الف و لام» دارد و مراد، خانه به خصوصی است. اما در رابطه کلمه «اهل» در مفردات راغب آمده که: اهل، کسانی هستند که نسبت و خویشی یا دین واحد آنها را جمع کرده باشد، لذا می گویند اهل فلان طایفه. (راغب، ۱۳۷۴: ۹۵/۱) ابن منظور هم می نویسد: «اهل بیت» ساکنان آن هستند و «اهل رجر» خاص ترین افراد نسبت به او هستند و آل مرد همان اهل او است. (ابن منظور، ۱۳۶۷: ۲۵۳/۱)

بنابر استعمال قران و گفته اهل لغت، اهل در هر جایی استعمال می شود که پیوند جامعی بین عده ای از افراد، برقرار شده و میان آن افراد الفتی وجود داشته باشد. در قران هم آمده است: اهل الكتاب، اهل النار. اما سوال این است که مصداق اهل بیت چه کسانی هستند که در ادامه (إِنْ شَاءَ اللَّهُ) به تفصیل بیان خواهد شد.

## ۱-۶- «يُطَهِّرُكُمْ تَطْهِيراً»

این کلمه که در پایان آیه آمده، تأکید بر مطهر بودن و معصوم بودن اهل بیت دارد. «طهر» پاکی و طهارت است ضد نجاست، و «تطهیر» به معنای پاک کردن. (قرشی، ۱۳۸۶: ۲۴۶/۴)

راغب می گوید: طهارت دو نوع است: طهارت جسم و طهارت نفس و بیشتر آیات قران بر طهارت نفس حمل شده است. (راغب، ۱۳۷۴: ۵۲۵/۱)

شاید گفته شود که تطهیر همان ازاله رجس است، ولی چنین نیست چون «لِيَذْهَبَ».. اشاره به دفع ذنوب است، و يُطَهِّرُكُمْ اشاره به پوشاندن خلعت کرامت، که مرتبه ای بالاتر است. «یطهر» صیغه اول مضارع از باب تفعیل است که هم شامل امور مادی و هم شامل امور معنوی می شود. «تطهیراً» نیز مصدر باب تفعیل است و مفعول مطلق تأکیدی می باشد و تنوین تعظیم دارد یعنی تطهیری که درباره شما اراده کرده، یک تطهیر عادی نیست بلکه ویژه است. پس مخاطبان آیه تطهیر یعنی اهل بیت با برخوردای از طهارت کامل جسمی و معنوی.

## ۲- تفسیر آیه از دیدگاه مفسرین شیعه

علمای شیعه از نخستین روز تدوین حدیث و تفسیر با این آیه بر سر عصمت «اهل بیت» استدلال کرده و آن را یکی از دلایل عصمت این گروه دانسته اند و شکی نیست که همه علمای شیعه بر این باورند که آیه تطهیر در شأن خمس آله نازل شده و احدی غیر از ایشان را شامل نمی شود، نه همسران پیامبر، نه اصحاب، و نه احد دیگری.

طبرسی می نویسد تمام امت اتفاق داشتند که مراد از «اهل البیت» در آیه، همان اهل بیت پیامبر (ص) هستند تا اینکه عکرمه باعث اختلاف شد و ادعا کرد که مراد ازواج نبی می باشند. (طبرسی، ۱۳۸۷: ۳۵۶/۸) بحرانی هم در تأیید نظر فوق احادیث مربوط به آیه تطهیر و حدیث ثقلین و احتجاجات امام علی (ع) و امام رضا (ع) را به طور کامل ذکر کرده (بحرانی، ۱۳۹۶: ۳۰۹/۳) و هویزی نیز چنین ذکر کرده است. (هویزی، ۱۳۷۶: ۲۶۴/۴)

علامه طباطبایی هم در ضمن تأیید قول مزبور می نویسد: در آیه شریفه در حقیقت، دو تا قصر و انحصار به کار رفته: یکی انحصار خواست خدا در بردن و اذهاب پلیدی در اهل بیت، و دیگری انحصار این عمل فقط برای اهل بیت. انحصار اول از «إنما» بدست می آید و انحصار دوم از منصوب بودن «اهل» که بنابر باب اختصاص است. (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۳۲۷/۱۶) یعنی خداوند فقط یک بار این تطهیر را اراده کرده و این یک بار هم فقط برای اهل بیت می باشد.



آیت الله مکارم هم می نویسد: این آیه اگر چه در لا به لای آیات مربوط به همسران پیامبر (ص) آمده، اما تغییر سیاق (تبدیل ضمیرهای مونث به مذکر) دلیل بر این است که: این آیه محتوایی جدای از آن آیات دارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸: ۱۷/۲۹۹)

قابل توجه است که هیچکدام از علمای شیعه در هیچ کتاب تفسیری یا روایی غیر از این عقیده ای ندارند و باید گفت که این اتحاد کلام و باور، تعجبی ندارد زیرا همه ایشان از سرچشمه واحد سیراب می شوند و همه، متصل به امیرالمومنین هستند که حق است و حق با اوست هر کجا که برود.

### ۳- دیدگاه علماء اهل سنت و سرچشمه اختلاف

قران کلام خداست و همو که گوینده است باید مراد خود را بیان کند و یا کسی که او برگزیده، یعنی پیامبر (ص) که وظیفه تبیین آیات الهی به او واگذاری شده و مسلماً این وظیفه را انجام داده است. نبی اکرم همه علم خود را به علی (ع) داده است و خود ایشان بارها فرمودند: علی (ع) باب علم و است و علی (ع) از شما اعلم است. اما اکثر مسلمانان دست از دانش پیامبر و اهل بیت برداشته و سراغ دیگران رفتند. هر کس چنین کند و تفسیر قرانش را از عکرمه و مقاتل بن سلیمان و زیدبن ثابت و مانند اینها بگیرد که هیچکدام به «متن حق» متصل نیستند و علم به کتاب الله ندارند. لذا وقتی کتب اهل سنت را می بینیم در می یابیم که چگونه پر از اقوال مختلف شده و به هیچ نتیجه واحدی نمی رسند و نمیدانند بالاخره کدام قول را بپذیرند و احیاناً بحث را با کلماتی چون «فیه نظر» به پایان می رسانند. همین اختلاف و تشتت آرا و حتی تضاد، خود دلیل بر نادرستی است.

با این همه اختلاف، آنقدر مصداق آیه تطهیر از سوی پیامبر (ص) قولاً و فعلاً مشخص شده که علمای عامه نتوانستند فاطمه و شوهر و بچه هایش علیهم السلام را از مصداق آیه جدا کنند، نهایت، دیگران را هم داخل کرده اند. ابن حجر عسلاقی از بزرگان اهل سنت می نویسد: اکثر مفسرین معتقدند که آیه تطهیر در شأن علی و فاطمه و حسن و حسین (ع) نازل شده به دلیل اینکه ضمیر در «عنکم» و «یطهرکم» مذکر است. (ابن حجر، ۱۳۶۲: ۱/۲۲۰)

با این حال بعضی مفسران اهل سنت عقیده دارند چون آیه در بین آیات مربوط به همسران پیامبر است یا به دلایل دیگر، پس این آیه هم در شأن آنان نازل شده، و برخی هم بدون توضیح مثل زمخشری می نویسد: چون «اهل» منصوب است بنابراین یا مدح می باشد و این دلیل روشنی است که زنان پیامبر هم از اهل بیت او باشند! (زمخشری، ۱۳۷۷: ۳/۵۴۶)

بیضاوی می گوید: «انما یرید الله... تعلیل امر و نهی زنان پیامبر (ص) است. یعنی خداوند فرموده که ما این امر و نهی ها را رد کردیم چون می خواهیم شما پاک باشید. شیعه اجماع دارد که اهل بیت فقط پیامبر (ص) و فاطمه و علی و حسن و حسین (ع) هستند ولی احتجاج ایشان ضعیف است و احادیث، تنها دلالت دارد بر اینکه ایشان هم جزء آیه هستند نه اینکه غیر از آنان را شامل نمی شود». (بیضاوی، ۱۳۶۴: ۳/۳۸۲)

ابن کثیر که در دفاع از مواضع اهل سنت تعصب دارد می گوید: «آیه نص است در دخول ازواج نبی در اهل بیت، و عکرمه در بازار فریاد می زند که آیه تطهیر، خاص همسران رسول خدا است و من حاضر م مباہله کنم!» سپس صریحاً قول عکرمه را رد کرده و می نویسد: اینکه مراد آیه فقط زنان رسول (ص) باشند، در آن حرف است زیرا احادیثی وارد شده که نشان می دهد مراد آیه اعم از زنان است. (ابن کثیر، ۳: ۱۳۶۹/۴۹۱)

ابن عاشور می گوید: «آیه تعلیل بر امر و نهی های قبلی است به این معنا که: ای زنان پیامبر، خدا شما را امر و نهی کرده، زیرا اراده کرده برای شما تخلیه از نقاء ص و تخلیه به کمالات را، و بیت هم مراد بیت نبی است. (ابن عاشور، ۱۳۶۰: ۲۱/۲۴۵) سپس ابن عاشور اضافه می کند: ضمیر خطاب در عنکم متوجه همسران پیامبر است ولی این دو ضمیر مذکر آمده بخاطر اعتبار نبی است و سپس با جرأت بیان می کند که اهل بیت ازواج پیامبر هستند و احدی در این باره شک نمی کند! و همه اصحاب! و تابعین! هم از آیه چنین فهمیده اند. (ابن عاشور، ۱۳۶۰: ۲۱/۲۴۶)

محمد عزه دروزه هم چنین می نگارد: «با آنکه آیات با صراحت فراوان! دلالت بر اینکه اهل بیت کنایه از همسرا پیامبر است ولی بعضی احادیث، وارد شده که دیگران را هم داخل می کند مثل روایت صحیح ترمذی و روایت عایشه و...» (محمد عزه، ۱۳۹۲: ۷/۳۷۹) سپس اعتراف می کند: «ما در برابر این احادیث در مقام حیرت بلکه توقف هستیم! زیرا سیاق آیه می گوید مراد ازواج رسول خدا هستند درحالی که روایات دیگران را هم داخل میکنند، نهایت می توان گفت که احادیث فوق، مدلول آیه را تعمیم داده و چهارنفر دیگر یعنی علی و فاطمه و حسن و حسین (ع) را در سلک مطهران دانسته است.» (محمد عزه، ۱۳۹۲: ۷/۳۸۱ و ۳۸۲) سپس دوزه چون شک دارد کلامش را با «والله تعالی اعلم» به پایان می برد!

این بود نمونه هایی از تفاسیر متقدیم و متأخرین اهل سنت، که با کمال تعجب سرشار از اختلافات و تناقضات هست. در ادامه به دلایل این دو گروه (شیعه و اهل سنت) می پردازیم.

## ۴- مراد از «رجس» در آیه

در باب اینکه کلمه «رجس» در آیه چه معنایی را متضمن است، احتمالاتی را داده اند که به اختصار آن ها را بان می کنیم:

### ۱-۴-۱- احتمال اول

مراد از بین بردن رجس و تطهیر اهل بیت، تنها همان تقوای دینی و اجتناب از نواهی و امتثار اوامر است، و بنا بر این احتمال معنای آیه این است که خدای تعالی از این تکلیف سودی نمی برد و نمی خواهد سود ببرد، بلکه می خواهد شما را پاک کند و از پلیدی دور سازد، و بنابراین آیه شریفه تنها در حد آیه «مَآیْرِدَاللّٰهُ لِيَجْعَلَ عَلَیْكُمْ مِنْ حَرَجٍ و لٰكِنْ يُّرِيْدُ لِيُطَهِّرَكُمُّ و لِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَیْكُمْ» می باشد.

اگر معنا این باشد، آن وقت آیه شریفه، با هیچ یک از معانی کلماتی که گذشت نمی سازد، چون این معنا با اختصاص آیه به اهل بیت منافات دارد، زیرا خدا این گونه تطهیر را برای عموم مسلمانان و مومنین و مکلفین به احکام دین می خواهد، نه برای خصوص اهل بیت، و حال آنکه گفتیم آیه شریفه دو انحصار را می رساند، که انحصار دوم تطهیر اهل بیت است فقط برای خود ایشان، نه احدی دیگر.

## ۲-۱-۴-احتمال دوم

اگر مراد از بردن رجس، و تطهیر کردن، همان تقوای شدید و کامل است، پس معنای آیه این می شود که این تشدید که در تکالیف آیات قبل متوجه شما کردیم، و در برابر اجر دوچندان هم وعده تان دادیم، برای این نیست که خود ما از آن سود ببریم، بلکه برای این است که می خواهیم پلیدی را دور نموده و تطهیرتان کنیم.

## ۵-اراده تکوینی و اراده تشریحی

توضیح واقعیت اراده تکوینی و تشریحی در خدا به بحث گسترده ای نیاز دارد، ولی به طور اجمال می توان گفت: اگر اراده و مشیت حق، بر فعل خود (مانند آفرینش آسمان ها و زمین) تعلق بگیرد، آن اراده را اراده تکوینی می نامند اما هرگاه اراده خداوند بر فعل دیگری تعلق بگیرد و خدا از شخصی به عنوان انجام وظیفه چیزی را بطلبد مثلاً بفرماید: نماز بخوان، زکات بده، چنین اراده ای، اراده تشریحی بوده و بنده خدا پس از تکلیف، در انجام و عدم آن کاملاً حر و آزاد خواهد بود.

اراده ای که آیه از آن سخن می گوید اراده تکوینی است، نه تشریحی؛ زیرا ظاهر آیه این است که اراده خدا بر فعل خویش به نام «اذهاب رجس» و «تطهیر» تعلق گرفته است نه بر فعل دیگری. دلیل دیگر این است که با دقت در الفاظ آیه به روشنی ثابت می کند که خدا نسبت به «اهل بیت» عنایت خاصی دارد و تعلق اراده او بر تطهیر در این مورد مانند اراده او بر تطهیر و تقوای نوع انسانها نیست، درست است که اراده او به معنی تکلیف، بر طهارت همه انسانها تعلق گرفته است و اهل بیت نیز مشمول این اراده هستند، ولی درباره این گروه، اراده دیگری نیز وجود دارد که منحصر به آنان است و از جنس آن اراده کلی که همه مردم را در بر می گیرد نیست و کلمه «إنما» نیز دلالت بر همین مطلب دارد

به عبارت دیگر: اگر مراد از اراده در آیه تطهیر، اراده تشریحی باشد، در نتیجه آیه جمع بندی دستورات قبلش است به این صورت که اگر دستوراتی که به شما داده ایم را انجام دادید، باعث می شود که از گناه و رجس و پلیدی دور بمانید، اما اگر اراده همان اراده تکوینی باشد دلالت بر عصمت اهل البیت دارد. (سیحانی، ۱۳۹۰: ۲۶۱/۴)

## ۶- بررسی مصادیق «اهل البیت»

حال باید دید که مصادیق اهل بیت چه کسانی هستند؟ آیا آنطور که شیعه می گوید، مصداق اهل بیت فقط شجره طیبه خمسه هستند و کسی غیر از ایشان در مصداق اهل بیت قرار نمی گیرد، یا آنطور که بزرگان اهل سنت می گویند که همسران پیامبر نیز تحت مصداق اهل بیت قرار می گیرند؟

برای پاسخ به این سوال اول باید بررسی شود که دلیل اهل سنت مبنی بر اینکه، مصداق اهل بیت همان همسران پیامبر هست چیست؟ عمده دلیلی که اهل سنت گفتند که مراد از اهل بیت همسران پیامبر هستند سه مورد است:

### ۱-۶- دلایل

یکی از دلایل سیاق آیات است که آیات قبل از آیه تطهیر خطاب به همسران پیامبر هست، بعد از آیه تطهیر هم خطاب به همسران پیامبر است، پس خود آیه تطهیر هم متناسب با سیاق باید مخاطبش همسران پیامبر باشد، دلیل سوم این است که اگر بگوییم چون ضمیر «عنکم» مذکر است، پس نمی تواند مخاطب همسران پیامبر باشد، ما می گوئیم که قرآن نمونه مشابه دارد که از ضمیر مذکر استفاده کرده ولی مخاطب مونث است، که در سوره هود خدا می فرماید «قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَتُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ...» که مفسرین مخاطب ضمیر «عنکم» را همسر حضرت ابراهیم دانسته اند و مخاطب مونث است، درحالی که از ضمیر مذکر استفاده شده است.

### ۲-۶- نقد و بررسی دلیل دوم

در این جا بین دو راهی می مانیم: یک راه این است که من مبنای شیعه را بی چون و چرا بپذیریم و از کنار سیاق و مبنای تدبر آرام عبور کنم تا امر مسلم شیعه خراب نشود.

راه دوم این است که وحدت سیاقی آیات را رعایت کنم و با حفظ مبانی تدبر بگویم که مصداق اهل بیت همان همسران پیامبر هستند و امر مسلم شیعه را رد کنم.

هر کدام از این راهها خطرناک است که از یک طرف امر مسلم شیعه خراب می شود و از طرف دیگر سیاق و مبانی تدبر آیه خراب می شود.

اما ادعای ما بر این است که با حفظ انسجام سیاق و مبانی تدبر می گوئیم که: مصداق اهل بیت همان اهل بیت عصمت و طهارت شیعه است. در بیان اثبات این مطلب از اهل سنت سوال می پرسیم که مصداق اهل بیت چه کسانی هستند؟

قبل و بعد آیه تطهیر سلسله دستوراتی داریم، خطاب به همسران پیامبر که قبل از آیه تطهیر می گوید: «...مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ... قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ...»، بعد از آیه تطهیر هم می گوید: «وَأذْكُرَنَّ مَا فِي بُيُوتِكُنَّ...»

تفاوت اسلوب بیان در آیه تطهیر بیانگر این است که در نگاه اول مخاطب اهل بیت نمی تواند همسران پیامبر باشد چون در آیه تطهیر ضمیر «عنکم» که مذکر است استفاده شده ولی قبل و بعد از آن از ضمیر مونث (کُسْتُنَّ، اتَّقِيْتُنَّ، اذْكُرْنَ...) استفاده شده است. از طرفی دیگر در آیه تطهیر از کلمه «اهل البیت» استفاده شده است درحالی که قبل و بعد از آن از کلمه «بُيُوتِكُنَّ» استفاده شده است. خب اگر مراد از اهل بیت همسران پیامبر باشد خب سوال است که چرا ضمیر مونث باید تبدیل به ضمیر مذکر شود؟ چرا کلمه بیوت باید تبدیل به اهل البیت شود؟ کامل واضح است که آیه تطهیر در ساخت و بافت آیات قبل و بعدش نیست، پس سوال همچنان وجود دارد که مصداق اهل البیت چه کسانی هستند؟ تمامی احتمالات موجود در این آیه را مورد بررسی قرار می دهیم:

### الف) اگر مراد از اراده در آیه، اراده تشریحی باشد

بر فرض اینکه ما از حرف قبلی که گفتیم مراد از اراده در این آیه، اراده تکوینی است، برگشتیم و بگوییم که مراد اراده تشریحی است، در این صورت آیه جمع بندی دستورات است؛ که با حفظ این مقدمه می گوییم سه احتمال در مصداق «اهل البیت» وجود دارد:

۱- مراد همسران پیامبر باشند.

اگر فقط مراد همسران پیامبر باشد چندین اشکال وجود دارد: اولاً نباید ضمیر مونث تبدیل به ضمیر مذکر شود و «بیوت» تبدیل به «البیت» شود، بلکه با همان بیان قبلی باید میگفت

۲- مراد همسران پیامبر و خود پیامبر باشد.

در این صورت اشکال ضمیر و «البیت» حل می شود و ضمیر مذکر هم از باب غلبه است، اما اشکال مهمتری بوجود می آید و آن این است که دستورات قبل و بعدش قابل تعمیم بر پیامبر نیست؛ مثلاً در یکی آیات گفته اند که در خانه خوتان بنشینید، خب اگر تعمیم بدهیم یعنی پیامبر هم باید در خانه خود بنشیند!

۳- مراد همسران پیامبر و عموم بستگان آن حضرت باشد.

اشکال این احتمال این است که ما هیچ دلیلی در آیات نداریم که عموم بستگان مصداق اهل بیت قرار بگیرند.

نتیجه: در اینجا اراده تشریحی مراد نبوده و اشکالی که در هر سه احتمال است این است که جمع بندی دستورات باید در انتهای دستورات بیاید، نه در وسط دستورات!

### ب) اگر مراد از اراده، اراده ی تکلیفی باشد.

در این صورت اگر مراد، اراده تکوینی باشد، در واقع آیه میخواهد عصمت اهل بیت را بیان کند. در این صورت هم می توان سه احتمال در مصداق اهل بیت بیان کرد:

۱- مراد همسران پیامبر باشد.

در این صورت اشکال ضمیر و «البیت» به قوت خودش باقی است، ثانیاً اشکال مهمتری بوجود می آید و آن این است که دستورات خداوند به زنان پیامبر با لسان قهرآمیز و حاکی از نگرانی است، آیا می توان گفت که همسران پیامبر دارای مقام عصمت است؟ خیر، سیاق آیات این اجازه را به ما نمی دهد.

۲- مراد همسران پیامبر و خود پیامبر باشد.

در این فرض هم اشکال قبلی وجود دارد که همسران پیامبر دارای چنین عصمت نیستند

۳- مراد همسران پیامبر و جمیع بستگانشان است.

همان اشکالات قبلی در این احتمال نیز وجود دارد که جمیع بستگان به چه دلیلی لایق چنین عصمتی هستند؟

حاصل بحث این است که «اهل البیت» کاری با همسران پیامبر ندارد بلکه مراد پیامبر و اهل خاصی از خانوادشان هست (به جز همسران)، که در این فرض هم اشکال ضمیر برطرف می شود و هم آن اشکالات سابق پیش نمی آید. پس فقط یک احتمال دارد که مراد از اهل بیت همان شجره طیبه خمسه یعنی پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین است که خود پیامبر بارها این را تکرار کرده اند و علمای شیعه نیز روی همین مطلب اجماع دارند.

### ۷- اشکالات به آراء شیعه

بعد از آنکه ثابت شد که مصداق اهل بیت همان افرادی هستند که شیعه ادعا می کند، لازم است به چند اشکالی که به این حرف گرفته شده را پاسخ دهیم:

## الف) مشکل سیاق آیات

اگر بگوییم که مراد از اهل بیت همان شجره طیبه است، به این مشکل برمیخوریم که چنین تفسیری با سیاق آیات سازگاری ندارد چون ماقبل و مابعد آیه راجب همسران پیامبر است، پس چگونه این آیه از ماقبل و مابعد خود بریده است؟

## پاسخ

شکی نیست که وحدت سیاق یکی از امارات کشف مراد است، ولی وحدت سیاق آنجا گواه بر مقصود متکلم است که دلیل قویتر برخلاف آن در کار نباشد در حالی که در آیه مورد بحث جریان چنین است؛ زیرا احادیث متواتر گواهی می دهند که آیه «تطهیر» به صورت مستقل نازل شده و ذیل آیه سی و سوم قرار گرفته است. چیزی که بر استدلال آن گواهی می دهند سه مطلب است:

۱- احادیث فزون از حد همگی گواهی می دهند به استقلالی بودن آیه و می گویند: آیه تطهیر در خانه ام سلمه آنگاه که فاطمه غذایی می پخت... نازل گردید.

در تمام این احادیث به استقلال آیه و جدایی آن از آیات مربوط به همسران پیامبر تصریح شده است.

با این اتفاق نظر دیگر نمی توان با وحدت سیاق استدلال کرد، و آن را قرینه بر مقصود دانست؛ زیرا فرض احادیث این است که این آیه به طور مستقل نازل گردیده و به امر پیامبر در همین مورد نوشته شده است. (سیوطی، ۱۳۸۹: ۱۷۶/۱)

۲- این آیه به هیچ وجه نمی تواند مربوط به همسران پیامبر باشد؛ زیرا آیات مربوط به آنان در مقام تهدید آنان است در حالی که لسان آیه تطهیر، لسان تعریف و ستایش است و ارجاع این دو لسان به یک موضوع کاملاً بی ذوقی است.

۳- گواه سوم این است که اگر آیه تطهیر را از ذیل آیه سی و سوم بردارید، انسجام آن با آیه بعدی کاملاً محفوظ می باشد و کوچک ترین آسیبی به مضمون و مفاد دو آیه وارد نمی شود. (جعفر سبحانی، ۱۳۹۰: ۳۹۷/۴)

## ب) چرا وحی الهی به این شکل نازل شد؟

اکنون نوبت به این سوال می رسد که چرا خداوند باید چنین آیه به این مهمی را، در اثنای دستوراتی قرار دهد که مخاطب همه آنها همسران پیامبر است؟

## پاسخ

پاسخ آن این است که بسیاری از مسلمانان صدر اسلام درباره ی علی و خاندان او کاملاً حساسیت داشتند، هیچ قبیله ای نبود که فردی از آنان بدست امام در غزوه های اسلامی کشته نشده باشند و لذا بسیاری از آنان از امام بغض و کینه به دل داشته اند و این کینه باعث شد که بعد از پیامبر از امام و خانواده او انتقام گرفتند.

به خاطر چنین حساسیتی پیامبر به فرمان خدا آیه مربوط به طهارت و عصمت این خاندان را در لابلای آیات مربوط به همسران پیامبر قرار داد تا تجلی زیادی نداشته باشد، آنگاه برای اینکه اشتباه ایجاد نکند، از طریق سنت و تغییر عبارت در آیه به توضیح مفاد آیه پرداخته و پرده از معنای حقیقی آن برداشت. عین این جریان در آیه سوم سوره مائده نیز آمده است. (سبحانی، ۱۳۹۰: ۳۹۹/۴)

جواب دوم این است که می گویم: آیه تطهیر آیه مستقلی است و در اثنای آیات مربوط به همسران پیامبر وارد شده، لطمه ای به بلاغت قران وارد نمی سازد و رسم عرب بلیغ این بوده است که از بحث پیرامون موضوع فارغ نشده، به بحث پیرامون موضوع دیگر می پردازد آنگاه دومرتبه به سخن نخست باز می گردد. (طبرسی، ۱۳۹۴: ۳۵۷/۸)

اتفاقاً در قران برای آن نظایری وجود دارد که به یکی از آنان اشاره می کنیم: در داستان یوسف آنگاه که پرده از خیانت همسر عزیز افتاد و شوهر از جریان آگاه شد، رو به همسر خود کرد و گفت: «این کار مکر شما زنان است و حيله های شما بزرگ است». «یوسف! از او درگذر، و تو (زلیخا) نیز از گناهی که کردی استغفار کن، تو از خطا کاران بودی» (یوسف، ۲۸-۲۹)

محور سخن و خطاب دو آیه همسر عزیز است، ولی در اثنای خطابه های او سخن از یوسف به میان آمده و از او درخواست شده که از همسر عزیز نیز بگذرد.

در حقیقت جمله خطاب به یوسف، در میان خطابات مکرر به همسر عزیز وارد شده است و چون یوسف نیز یک طرف جریان بود، گفت و گو با او لطمه ای به تناسب آیات وارد نمی سازد.

## ج) اشکال نقضی

در جایی در قران نمونه ای داریم که از لفظ «علیکم اهل البیت» استفاده شده، در حالی که مخاطب آن همسر حضرت ابراهیم است که در سوره مبارکه هود خداوند فرمودند: «قَالُوا أَتَجِبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَتُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ...» (هود، ۷۳)

وقتی که خداوند بشارت داد به همسر ابراهیم که بچه ای به تو عطا می کنیم، همسر ابراهیم گفت: من چطور بچه دار می شم در حالی که پیر و عقیم شده ام؟!، فرشتگان به همسر ابراهیم گفتند: «آیا از فرمان خدا تعجب می کنی؟ این رحمت خدا و برکاتش بر شما خانواده است. (هود، ۷۳)»



در این آیه می بینیم هم از ضمیر مذکر استفاده شده و هم از لفظ «اله البیت» و مراد هم همسر حضرت ابراهیم است و اشکال خطابی هم ندارد، پس در آیه تطهیر هم باید مراد همسران پیامبر باشد و اشکالی وجود نداشته باشد!

## پاسخ

نکته اول این است که مراد از امر خداوند در آیه تولد یک فرزند بوده

نکته دوم این است که تولد بچه رحمت و سلام و برکت الهی است.

نکته سوم این که برکت و رحمت الهی فقط شامل همسر ابراهیم نیست، بلکه رحمت و برکت برای

پدرش نیز هست

نتیجه: بدون هیچ مشکل و مانعی می توان گفت که مصداق اهل بیت و ضمیر هم شامل همسر حضرت ابراهیم است و هم شامل خود حضرت ابراهیم؛ درحالی که در آیه مورد بحث، ماقبل و مابعد آن همسران پیامبر مورد انتقاد واقع شده اند، سلسله امرهای سلبی به آنان ایراد شده که حاکی از نگرانی است، درحالی که آیه تطهیر لسان مدح و ستایش است و قبیح است که هردولسان به یک موضوع برگردند درحالی که قرآن در اوج فصاحت و بلاغت است، پس در آیه تطهیر همانطور که سابقا اشاره شد مانع وجود دارد که مراد از اهل بیت، همسران پیامبر باشد.

خلاصه بحث تا اینجا اینکه هیچ گونه اشکالی که بتواند جواب ما را نقض کند وجود نداشته و همه ی اشکالات قابل دفع بودند.

## ۸- اهل بیت در لسان پیامبر

اکنون وقت آن رسیده که برای حرف شیعه دلیل و موید هم بیاریم و برای تعیین مصداق اهل بیت، به سخنان پیامبر مراجعه نموده.

خوشبختانه در این مورد روایات انبوهی وارد شده و مسأله را به خوبی روشن ساخته است و بیش از همه دومیحدث و مفسر بزرگ اهل سنت را در کتابهای خود به این مسئله اشاره کرده اند که طبری در تفسیر خود، هفده حدیث و جلال الدین در کتاب خود چهارده حدیث نقل کرده اند که همگی به صحابه و تابعین منتهی می گردد که بخشی از آنان از احادیث متواتر به حساب می آیند و نیازی به بررسی سندی نیست، بالاخص که در طول قرون بزرگان تفسیر و حدیث و تاریخ، این احادیث را پذیرفته و ثابت می کنند که آن عده معدودی که به حکم اراده تکوینی خداوند دارای مقام عصمت و از گناه و پلیدی پاک هستند عبارتند از خمسه طیبه یعنی پیامبر

گرامی، علی امیرمومنان، فاطمه زهرا و دوسبط پیامبر حسن مجتبی و حسین سالار شهیدان است. البته در مقابل دوحیث متضاد نیز نقل شده که آن دوروایت توانایی مقابله با این همه روایات متواتره را ندارد.

اکنون به یک مورد از آنان اشاره می کنیم: جلال الدین سیوطی در کتاب خود احادیث چهارده گانه خود را علاوه بر شخصیت های گذشته، از «ابن عباس» نقل نمی کند و مفادمجموع روایات جز منحصر کردن مهوم آیه در خمسه طیبه چیز دیگری نیست. (سیوطی، ۱۳۸۹: ۶/۶۰۳)

### ۱-۸- مقود از البیت، بنا و ساختمان نیست

می توان گفت که مراد از «البیت» در این آیه خانه خشتی و گلی نیست، بلکه مقصود بیت نبوت و مرکزوحی و مهبط نور الهی است.

بیت به معنای «خشت و گل» و اهل به معنای کسانی که در درون آن به عللی زندگی مشترک دارند، همان است که در آغاز این آیه آمده، آنجا که قرآن به همسران پیامبر دستور می دهد که در خانه های خود قرار بگیرند و مانند زنان جاهلیت نخست، در مجامع عمومی ظاهر نشوند.

در این آیه هر اتاقی از اتاق های زنان رسول خدا «بیتی» حساب شده که متعلق به یکی از همسران او بوده است و دستور داده است در آنان استقرار یابند و به نحو زنده بیرون نیایند.

درحالی که در آیه مورد بحث، مسأله «بیوت» یا «خانه ها» مطرح نیست، بلکه مسئله بیت واحد و کسانی که به نوعی با این بیت ارتباط دارند و منسوبین آن به حساب می آیند مطرح است و در این صورت باید گفت: مقصود «البیت»، بیت معنوی و غیرمادی است که از آن به «بیت النبوه» تعبیر می کنیم.

روی این فرض این لفظ تنها افرادی را شامل می گردد که از نظر طهارت و پاکی، علم و دانش به پایه ای برسند که واقعا بتوان آنها را از اهل این بیت و جزواین دودمان خواند، در چنین انتسابی تنها پیوند مادی مطرح نیست، بلکه پیوند معنوی نیز مطرح می باشد که عده ای انشگک شماری محصور می باشد.

زمخشری در کشاف در تفسیر آیه هفاد و سوم سوره هود همین نکته را یادآور شد و اگر در تفسیر سوره احزاب گفتار قبلی خود را به خاطر داشت، در اینجا نیز درست تر و بهتر فکر می کرد.

بنابراین کسی که معصوم است در طول عمر خود، گناه از او صادر نمی شود و هرگز مرتکب خلاف نمی گردد، ولی مرتکب نشدن و انجام ندادن گواه بر نتوانستن نیست.

در اینجا لازم است که به یک پرسش دیگر پاسخ دهیم و مسأله را به اتمام برسانیم:

### ۱-۱-۸- پرسش: آیا این نوع عصمت افتخار نیست؟

سوالی که از قدیم الایام مطرح بود و و آن این است که چنین عصمتی افتخاری برای اهل بیت نیست، زیرا عصمت تفضلی است که از جانب خداوند افاضه می شود، و تا وقتی که خود انسان آن را کسب نکند قابل ستایش نمی شود، زیرا کمالی قابل ستایش است که انسان آن را با کمال اختیار کسب کند، نه اینکه نخواستگی از عالم غیب به او داده شود.

### پاسخ

این پرسش تازگی ندارد و جوابهای آن را مکرراً داده اند که حاصل آن گفتار این است: افاضه عصمت نیاز به وجود زمینه های پیشین دارد که در آنها ایجاد لیاقت و شایستگی نماید، و بخشی از این زمینه ها ارثی است و بخشی دیگر اکتسابی است که خود معصومان در طول زندگی آن را تحصیل می کنند.

## نتیجه گیری

آنچه که گذشت گزاره ای کوتاه در باب آیه تطهیر بوده است. قطعاً مطالعه در این باب نیازمند وقت و دقت نظر بیشتری است. با این حال در این مختصر مشاهده کردیم که مصداق حقیقی اهل بیت غیر شجره طیبه، شخص دیگری نیست و برخی احتمالات دیگری که در برخی از کتب اهل سنت وجود داشته، همگی با اشکالات فنی مواجهه بودند و همه آنها حاکی از این بود که که مصداق اهل البیت، نمی تواند همسران پیامبر باشد و آنچه که بر حق است مسلمات شیعه است، البته ناگفته نماند که به حرف شیعه نیز اشکالاتی مطرح کرده اند که به مهمترین آنها اشاره کردیم و مختصراً جواب دادیم و دیدیم که هیچ کدام **نتوانستند** قول شیعه را تضعیف نمایند. اما اینکه چرا آیه تطهیر در چنین آیاتی آمده را نیز جواب دادیم که اولاً بخاطر حفظ جان خاندان پیامبر و ثانیاً معرفی اسوه و الگویی نیکو برای همسران پیامبر که دست از اشتباهاتشان بردارند.

اهل بیت علیهم السلام دارای مقام عصمت هستند که از هرگونه رجس دور هستند و بهترین افراد برای اقتدای به آنان و استفاده در محضر آنان است.

## فهرست منابع:

\*قران کریم

- ۱- علامه طباطبائی (۱۳۷۴). **تفسیر المیزان**. ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی
- ۲- آیت الله العظمی جعفر سبحانی (۱۳۹۰). **منشور جاوید**. قم: انتشارات توحید
- ۳- شیخ طبرسی (۱۳۵۹). **مجمع البیان**. ترجمه: احمد بهشتی. تهران: فراهانی
- ۴- جلال الدین سیوطی (۱۳۸۹). **الدر المنثور فی التفسیر الماثور**. قم: انتشارات عاشورا
- ۵- راغب اصفهانی (۱۳۹۲). **المفردات فی غریب القران**. تهران: دفتر نشر کتاب
- ۶- بیضاوی (۱۳۹۰). **انوار التنزیل**. تهران: خانه کتاب و ادبیات ایران
- ۷- ابن حجر هیتمی (۱۳۸۵). **الصواعق المحرقة**. مصر: مکتبه القاہره
- ۸- محمود بن عمر بن محمد بن احمد زمخشری (۱۳۹۱). **الکشاف عن حقائق التنزیل**. تهران: انتشارات ققنوس
- ۹- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۷۷). **لسان العرب**. قم: انتشارات الاعلمی بیروت